



حاشیه‌های یک دیدار

کرده تا مشکلی را حل کنند، اما فایده نداشته است. می‌گوید وقتی آن مدیر دسته‌چندم احترام موی سفید من را نگه نمی‌دارد و بالحن بدی از اتاقش بیرون می‌کند، وای به حال این‌ها که عضو شورا هستند. حتما دوباره من را به همان مدیری که کارم را راه نمی‌اندازد، ارجاع می‌دهد. از نگاه و صحبت‌های پیرمرد معلوم است که امید چندانی به برطرف شدن اختلافش با شهرداری ندارد.

دو جوان دیگر بیرون مسجد بر سر این بحث می‌کنند که تا چند ماه آینده قرار است چه اتفاقی بیفتد که ناگهان شورای شهر به یاد آن‌ها و مشکلاتشان افتاده و به گوشه‌ی شنوای شنیدن درد و دل هایشان تبدیل شده است. می‌گویند آخرین باری که یادشان می‌آید یکی از مسئولان رده بالای شهری با یک بغل وعده گذرش به اینجا افتاده، روزهای انتخابات بوده است.

«سکانس سوم: عکس می‌گیرند و می‌روند»

دو جوان بیرون مسجد روی موتور نشسته‌اند. دوستشان که می‌آید از او علت شلوغی نامتعارف امروز را می‌پرسند که جواب می‌شنوند نماینده شورای شهر مشهد و شهردار منطقه در زیرزمین مسجد نشسته‌اند و به مشکلات مردم رسیدگی می‌کنند. راکب موتور پوز خندی می‌زند و می‌گوید: توهم مثل بابای من ساده‌ای. از دیشب با چند نفر از همسایه‌ها نشستند دور هم برای مشکلات استیضاهای نوشته‌اند که به عرض جناب نماینده برسانند. فکر کردی این‌ها برای من و تو کاری می‌کنند. با خدم و حشم می‌آیند اینجا یک دوری می‌زنند، چهارتا عکس برای روز مبادا می‌گیرند و می‌روند. بعد در بوق و کرنا می‌کنند که ما به حاشیه شهر رسیدگی کردیم و از این حرف‌ها. این کارها فقط برای نمایش است.

«سکانس چهارم: اعتماد کم رنگ مردم به مدیریت شهری»

برخی رفتارهایی که مدیران شهری در طول این سال‌ها با شهروندان این محدوده داشته‌اند، اعتماد مردم به مدیریت شهری و شهرداری را کم رنگ کرده است. ثمره رفتارهای اشتباه مدیران این است که اکنون بخشی از مردم شهرداری را دشمن درجه یک خودشان می‌دانند و تلاش می‌کنند به هر نحوی شده با آن مبارزه کنند و نه تنها به عمران و آبادانی شهر کمک نمی‌کنند، بلکه خدمات پر شمار شهرداری هم به چشمشان نمی‌آید. مثلاً شهرداری منطقه ۳ از روز اول الحاق محدوده منفرصل به شهر تا امروز، با وجود همه مشکلات عدیده مالی شهرداری و درآمد تقریباً صفر از این ناحیه، خدمات پر شماری را به شهروندان ارائه داده است. از اجرای فضاهای سبز فاز ۱ مهرگان گرفته تا آسفالت کردن ۸۰ تا ۹۰ درصد از معابر خاکی محله‌های علی محمدی و شهریاری. این خدمات طوری بوده که چهره این محله‌ها زمین تا آسمان با قبش فرق کرده؛ اما هنوز نگاه مردم ناحیه به شهرداری با پنج سال پیش تفاوت چندانی ندارد. این دست دیدارهای مردمی اعضای شورای اسلامی شهر و بازدیدهایی که شهرداران منطقه ۳، ۴ و ۶ از محله‌های تحت پوشش دارند، می‌تواند تا حدی این اعتماد از دست رفته مردم را برگرداند، به شرطی که به بخشی از خواسته‌های معقول شهروندان جامه عمل پوشانده شود تا آن‌ها تأثیر حضور مدیریت شهری را حس کنند. وگرنه همان طور که ذکر شد اغلب شهروندان این دیدارها و بازدیدها را نمایش مدیران می‌پندارند.

چیه؟ باز قراره رأی گیری ای، چیزی بشه یاد حاشیه شهر افتادن؟ - این دیدار آقای شهلا با مردم، از این فرمایشه‌هاست که فقط می‌دارن چند نفر خاص برن صحبت کنن و یکن که چقدر محل زندگی ما گل و بلبله یا ما هم به عنوان شهروند ساده می‌تونیم بریم بگیریم که چه بلایی سر مون اومده توی این چهار پنج سال؟ - توی این چند سال غیر مسئولان شهرداری منطقه سه، کس دیگه‌ای اینجا نیومده! حالا یک دفعه می‌گن فلان عضو شورای شهر می‌خواد بیاد. حتما یک نیازی به ما دارند که سر و کله شون پیدا شده.

- سلام، به نظر من دیدارها فقط نمایشه و بس. با لبخند به حرف هامون گوش می‌دن ولی باز کار خودشون رو انجام می‌دن. چهار تا حرف امیدبخش بهمون می‌زنن که برای یک مدتی دهنمون بسته بشه.

«سکانس دوم: مگر قرار است انتخابات شود؟»

تقریباً چهل و چند دقیقه‌ای از حضور حضور شورای اسلامی شهر در مسجد حضرت خدیجه (س) گذشته است. مردم هم از نقاط مختلف ناحیه ۴، از مهرگان گرفته تا قرقي و سیاسک و سیس آباد خودشان را به اینجا رسانده‌اند. حرف‌هایشان نشان می‌دهد که چندان امیدی به طرح و حل مشکلاتشان ندارند. پیرمردی که از ریش سفیدان محله است، هنوز از قضیه مطمئن نشده. در حیاط مسجد مدام از این و آن سؤال می‌کند تا ببیند موضوع واقعی است یا نه. از پنج سال پیش که روستایشان را به شهر الحاق کرده‌اند، با شهرداری اختلافی پیدا کرده که هنوز حل نشده باقی مانده. تعریف می‌کند که بارها و بارها به شهرداری منطقه و ناحیه مراجعه

استادی - دیدار هفته گذشته امیر شهلا، عضو شورای اسلامی شهر مشهد با شهروندان ناحیه ۴ منطقه ۳، جزو معدود بازدیدهای مدیران از این نقطه حاشیه‌ای و منفرصل شهرمان بود. دیداری که حاشیه‌هایش از متن جذاب‌تر بود. گزارش پیش رویک حاشیه‌نگاری است از همین دیدار مردمی.

«سکانس اول: یعنی واقعا می‌آیند»

حضور یکی از اعضای شورای شهر و گفت‌وگوی مستقیم و شنیدن حرف‌ها و مشکلات مردم، آن قدر برای شهروندان ناحیه ۴ منطقه ما عجیب و غیر قابل باور بود که پس از انتشار خبرش در گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی، مدام با ما تماس می‌گرفتند و پیام می‌دادند تا از صحت و سقم این موضوع اطمینان حاصل کنند. - آقا این خبری که تو گروه فرستادند حقیقت داره؟ یعنی رأی اول مشهد قراره بیاد قرقي؟ - سلام، ببخشید مزاحم شدم، آقای شهلا می‌خوان فقط بیان چند دقیقه سخنرانی کنن و برن یا به حرف‌های ما هم گوش می‌دن؟ - سلام خوب هستید؟ این بنرهایی که زدن برای حضور عضو شورای شهر در ناحیه، جریانیش

ثمره رفتارهای
اشتباه مدیران
این است که
بخشی از مردم
شهرداری را
دشمن خودشان
می‌دانند



گزارش امیر شهلا از دیدار با مردم منطقه ۳

دیروز (۱۳۹۶/۱۱/۳) در مسجد حضرت خدیجه (س) میهمان مردم باصفای جاده سیمان بودم. اگر چه چهارشنبه هر هفته، وعده دیدارهای مسجدی ام بود، اما از آن جا که هفته گذشته، به خاطر شرکت در اجلاس عمومی شورای عالی استان‌ها، خلف وعده کردم و برنامه دیدار با اهالی کم توقع منطقه ۳ لغو شد، سه‌شنبه این هفته را برای جبران مافات برگزیدم. منطقه ۳، منطقه عجیب و غریبی است و اوج هنر مادر معماری و شهرسازی را می‌رساند. یک ناحیه منفرصل شهری به نام قرقي را در ۳۰ کیلومتری مشهد ایجاد کرده‌ایم که سیاسک، قرقي و مهرگان، اجزاء

آن هستند. بالغ بر ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد، اما برای رسیدن به آن، باید از میان سه روستای ده رود، همت آباد و علی آباد گذشت که جزو مشهد نیستند و هیچ خدماتی از ما نمی‌گیرند. شهرک مهرگان، مشتمل بر فازهای ۱ و ۲، نماد بی‌تدبیری و کار غیر کارشناسی در دولت قبل است. شهرکی که ۲۵ هزار نفر در قالب مسکن مهر در آن زندگی می‌کنند، اما از حداقل‌های لازم، برای زندگی شهرنشینی هم بی‌بهره است. فاز ۲ مهرگان، تقریباً هیچ چیز ندارد. نه درمانگاه و پاسگاه و آتشنشانی، نه مدرسه و نانواایی و بقالسی، و نه حتی مسجد و پارک و مخابرات. در طرح ریزی این شهرک، حتی فاضلابش را ندیده‌اند و پساب اهالی مهرگان، در گودالی نامطبوع و آلوده در ابتدای روستای سیاسک ریخته می‌شود که خود، معدن پشه و سالک و هزار نوع بیماری است. متأسفانه راه و شهرسازی، علی‌رغم توافقات قبلی، هنوز فاز ۲ مهرگان را به شهرداری تحویل و تحول نکرده، اما ساکنان شهرک، بی‌اطلاع از این روال

اداری - قانونی، همه مطالبات و انتظاراتشان را از شهرداری می‌خواهند! از آقای اخوان عبداللهیان، مدیرکل گرمای راه و شهرسازی خواهیم خواست، دستور دهد تا هر چه زودتر، نقل و انتقال فاز ۲ را انجام دهد تا اهالی، از این بلاتکلیفی و در به دری خلاصی یابند. از این بحث که بگذریم، قیمت گذاری عوارض تجاری موقت مغازه‌های جاده سیمان، گفتر مردم را درآورده است. جای شکرش باقی است که اهالی منطقه، مهندس زمانیان، شهردارشان را دوست دارند و حرمتش را نگاه می‌دارند، والا نرخ گذاری سرسام آور تجاری‌ها، کاسه صبرشان را بد جور لبریز کرده است. دیروز ۵۰ نفر از همین مغازه دارها آمدند. معترض بودند در جایی که اجازه ماهانه هر مغازه‌شان، ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است، کارشناسی تجاری موقت آن‌ها، متری یک میلیون تومان شده و کسی توان پرداخت چنین مبالغی را ندارد. از شهردار منطقه خواستم دستور دهد، مجدد و این بار، واقع بینانه و منصفانه مغازه‌ها را

کارشناسی کنند تا نه سیخ بسوزد، نه کباب. صنعتگران مستقر در کشمیری ۴ و ۶ نیز با هم آمدند و اعتراض داشتند علی‌رغم این که کار صنعتی می‌کنند، شهرداری از آن‌ها عوارض تجاری خواسته و پرداخت این مبالغ، در توانشان نیست. اهالی از وضعیت کال دزوی که به جولانگاه معتادین و موافروش‌ها تبدیل شده می‌نالند. گویا سپاه اعلام آمادگی کرده اگر ۶۰۰ متر زمین در اختیارش قرار دهند، با بودجه خود، پاسگاه و پایگاهی در آن نقطه می‌سازد و تأمین امنیت منطقه را بر عهده می‌گیرد. زیاله‌ها از طریق ۱۶۰ باکسی جمع می‌شود که سر کوچه‌ها گذاشته‌اند و این، برای مردمی که دوست دارند کیسه اشغال‌شان را کنار درب خانه‌هایشان بگذارند و بروند، کمی سخت و غیر قابل تحمل است. امید دارم همان طور که آقای شهردار روز دوشنبه گفت، بودجه ۱۳۹۷ بتواند غبار محرومیت را از چهره مظلوم مناطق کمتر برخوردار مشهد بزداید و در این بین، منطقه ۳، سهمش را از پروژه‌های زیرساختی شهر طلب کند.